

Social Concerns on Kaiser Amin Pour's Poem

E. Naderi¹, M.M. Roushan², N. Onegh³

دغدغه‌های اجتماعی شعر قیصر امین‌پور

اسماعیل نادری^۱، (نویسنده مسؤل)

محمد مهدی روشن^۲، نعمان انق^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۷/۲۶

Abstract

Contemporary poetry has given priority to social issues on its theme. In this regard, it presented some great poets to history. These poets attempted to develop the image of social issues and solve the social problems. Kaiser Amin pour is one of them. social issues was major concern of Amin pour therefore he composed several poems about this issue. in this research we investigate the reflection of social issues on poem's of this great poet of Islamic revolution. the method which is used in this research is both quantative and qualitative. The results of investigation show that although Amin pour always was loyal to Islamic revolutions thoughts but during his art life he changed his idea to greater goal i.e. freedom of all human kind. The trace of this new idea is obvious in his recent poems.

Keywords: Kaiser Amin pour, society, freedom, peace, injustice, holy war (Jihad).

چکیده

شعر معاصر، توجه به مسائل اجتماعی را سرلوحه مضامین خویش قرار داده است و شاعرانی را به تاریخ معرفی کرده است که در راستای تصویر مفاهیم اجتماعی و حل مشکلات جامعه خویش کوشیده‌اند. قیصر امین‌پور، شاعر انقلابی معاصر از جمله ادیبانی است که تعهد به مسائل اجتماعی بخش بزرگی از دغدغه‌های ذهنی ایشان بوده است و آثار شعری فراوانی در این موضوع از خود برجای گذاشته است. پژوهش حاضر، به بررسی بازتاب مسائل اجتماعی در شعر این شاعر بزرگ پرداخته است. همچنین ابزارهای بیان شاعرانه که توسط امین‌پور برای نشان دادن مسائل اجتماعی مورد استفاده قرار داده مورد ارزیابی قرار گرفته است. این پژوهش، تحلیلی- توصیفی است و مهم‌ترین درونمایه‌های اجتماعی شعر قیصر، در قالب چهار عنوان: «آزادی، صلح- طلبی، بازتاب ظلم و فساد جامعه و تشویق به مبارزه و جهاد» بررسی شده‌اند. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش: «مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور» که شامل هفت دفتر؛ «دستور زبان عشق»، «گل‌ها همه آفتابگردان‌اند»، «آینه‌های ناگهان»، «تنفس صبح»، «مثل چشمه مثل رود»، «به قول پرستو»، «منظومه ظهر روز دهم»، به اضافه مجموعه «در کوچه آفتاب» است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که از آن است که گرچه امین‌پور در تمام دوره‌های زندگی ادبی و شعریش تابع اندیشه‌های محوری و مرکزی انقلاب بوده است و قلم و شعرش در جهت خدمت به ضرورت‌های این عقیده حرکت نموده است؛ اما با گذر زمان سیر حرکت او به سمت رهایی همه بشریت تغییر کرده است.

کلیدواژه‌ها: قیصر امین‌پور، جامعه، آزادی، صلح، ستم، جهاد.

1. Assistant Professor of Arabic Language and Literature in Payam Noor University
2. Faculty Member of Payam Noor University
3. PhD. Student Of Arabic Language and Literature Hakim Sabzevari

۱. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور جمهوری اسلامی ایران. esmailnaderi@yahoo.com
۲. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور جمهوری اسلامی ایران. tahmasbroshan@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری. Neman.onegh@yahoo.com

مقدمه

آغاز قرن بیستم، نقطه شروع تحولاتی بزرگ در سطح جوامع انسانی بود؛ دستاوردهای بشر در حوزه فناوری، فراگیر شدن نهضت ترجمه، گسترش صنعت چاپ و انتشار مطبوعات از جمله این تحولات است. در حوزه ادبیات و شعر نیز شاهد تغییراتی جدی در حوزه لفظ و معنا هستیم. التزام و تعهد شاعران نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی از جمله این تغییرات است. شاعران از این تاریخ به بعد پژوهش‌ها همه جریانات و تحولاتی شدند که انسان‌ها تجربه می‌کردند. آنان با اشعار خویش به کمک هم نوعان خود شتافتند و شعرشان را آینه تمام‌نمای مشکلات جامعه بشری قرار دادند.

قیصر امین‌پور شاعر توانمند معاصر، از جمله افرادی است که تعهد نسبت به مسائل اجتماعی را سرلوحه مضامین شعری خویش قرار داده است و آثار ارزشمندی در این حوزه از خود به یادگار گذاشته است. صلح‌طلبی، آزادی، تشویق به مبارزه و جهاد، انعکاس ظلم و فساد موجود در جامعه، از برجسته‌ترین مضامین اجتماعی در آثار این شاعر است.

نوشته حاضر بر آن است تا شکل انعکاس این مفاهیم را در آثار این شاعر بررسی کند تا معلوم شود میزان انعکاس مسائل اجتماعی در آثار او تا چه اندازه است و ابزارهای بیان شاعرانه برای نشان دادن این مسائل کدام‌ها هستند.

روش این پژوهش، تحلیلی-توصیفی است. ضمناً برای نظم و انسجام پژوهش، مهم‌ترین

درونمایه‌های اجتماعی شعر قیصر، در قالب چهار عنوان: «آزادی، صلح‌طلبی، بازتاب ظلم و فساد جامعه و تشویق به مبارزه و جهاد» بررسی شده‌اند. اما داده‌های مورد استفاده در این پژوهش: «مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور» که شامل هفت دفتر؛ «دستور زبان عشق»، «گل‌ها همه آفتابگردانند»، «آینه‌های ناگهان»، «تنفس صبح»، «مثل چشمه مثل رود»، «به قول پرستو»، «منظومه ظهر روز دهم»، به اضافه مجموعه «در کوچه آفتاب» است.

درباره پیشینه این پژوهش لازم به ذکر است که پس از جستجو در سایت مجلات علمی داخل کشور، به‌ویژه مجلات موجود در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (www.sid.ir)، هیچ مطلبی یافت نشد که با موضوع مورد بحث همخوانی داشته باشد، ولی درباره اندیشه‌های اجتماعی این شاعر با نگاهی کاملاً متفاوت پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به آنها اشاره می‌شود:

- «تحلیل تطبیقی درونمایه‌های مقاومت در اشعار سمیع‌القاسم، حسن حسینی و قیصر امین‌پور»، نوشته کبری روشنفکر، مرتضی زارع برمی، حسینعلی قبادی، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی.

- «دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین‌پور»، نوشته محمدرضا صرفی و سیدرضا هاشمی، نشریه ادبیات پایداری شهید باهنر کرمان.

- «جنگ و کودکی در آثار قیصر امین‌پور»، نوشته مجید بهره‌ور و مریم نیک‌خواه، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان.

آثار این دوره است. اما در دوره سوم صدای درون شاعر بیشتر به گوش می‌رسد. شاعر در این دوره به دنبال تعمیق در تفسیر هستی و بسط دایره اندیشگی است. مجموعه شعری «دستور زبان عشق» نمونه‌ای از نتایج این دوره است. (همان: ۳۰-۱۰ با تلخیص)

قیصر در کنار «سلمان هراتی» و «سیدحسن حسینی» آغازگر و ترویج‌دهنده حرکت و جریانی تأثیرگذار در شعر معاصر هستند. مهم‌ترین شاخصه‌های این جریان شعری، نمود باورهای دینی و تعهد ملی بود که در چارچوب آن، سلحشوری، از جان گذشتگی و خلوص رزمندگان و شهیدان جنگ به صورت موضوع و مضمون شعری درآمدند. قیصر را «سکان‌دار شعر انقلاب» و «سرآمد اقران خویش» لقب داده‌اند. (علی‌زاده و باقی‌نژاد: ۱۳۹۱: ۱۷۹)

شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه شاعر

قیصر در ابتدا شاهد حوادث قبل از انقلاب اسلامی و مبارزه مردم علیه رژیم پهلوی بود، سپس شاهد حوادث بعد از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ و بعد استقرار نظام اسلامی و ثبات سیاسی در کشور بود. در فاصله سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ، اشعار قیصر اغلب اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی او را منعکس می‌کند. اما از سال ۱۳۷۶ اشعار او از نظر محتوای سیاسی کم‌رنگ‌تر شده و بیشتر از نظر اجتماعی وضوح می‌یابد.

محور اندیشه‌های اجتماعی قیصر

قیصر شخصیتی معترض و روحی سرکش داشت و همین امر باعث گردید که هیچ‌گاه تسلیم

- «ملاحم المقاومة فی شعر قیصر امین‌پور و عزالدین المناصر (دراسة مقارنة)»، نوشته یحیی معروف و رضا کیانی، مجله العلوم الإنسانية الدولية.

زندگی و شعر قیصر

قیصر امین‌پور در سال ۱۳۳۳ هـ.ش در روستای گتوند شهرستان دزفول به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در گتوند و متوسطه را در دزفول سپری کرد و در سال ۱۳۵۷ در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد ولی پس از مدتی از این رشته انصراف داد و در سال ۱۳۶۳ وارد رشته زبان و ادبیات فارسی شد و تا مقطع دکترا این رشته را ادامه داد. قیصر از افرادی بود که در شکل‌گیری و استمرار فعالیت‌های واحد شعر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی تأثیرگذار بود. (اقتصادی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۸) قیصر شاعری با روحیه‌ای عدالت‌جو و ظلم‌ستیز بود و تا آخرین آثار خود از دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی خود دست نکشید. (گرچی، ۱۳۸۷: ۱۲۰) وی سرانجام در سال ۱۳۸۶ در تهران در گذشت.

حیات شعری قیصر را می‌توان به سه دوره عمل‌گرایی انقلابی، انفعال و واخوردگی آرمانی و درون‌گرایی، تقسیم کرد. (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۰) در دوره نخست صدای انقلابی شاعر در قالب زبانی تند و تپنده شکل می‌گیرد و روح انقلابی بر او غلبه دارد. مجموعه شعری تنفس صبح از آثار این دوره است. در دوره دوم رمانتیسمی حامل یأس و شک و غربت شاعر را فرا می‌خواند و شاعر به خود و من فردی-اش می‌اندیشد. مجموعه شعری آینه‌های ناگهان از

واقعیت‌های حاکم بر جامعه نشود و اعتراض خود را در قالب شعر نشان دهند. گرایش قیصر به نیروهای انقلابی و مبارز و همنوایی با آنها در میدان‌های جنگ تحمیلی نشانگر همین روح سرکش و تعهد اجتماعی است. آزادی، صلح-طلبی، بازتاب فساد و ستم جامعه و تشویق به مبارزه و جهاد، از برجسته‌ترین مضامین اجتماعی این شاعر بزرگ است:

دم به دم در پهنه دریا
موج شکلی تازه می‌گیرد
یک نفر با خط کشی کوچک
موج را اندازه می‌گیرد
از پی هر موج، سرگردان
روز و شب بیهوده می‌تازد
تا بریزد موج دریا را
در قفس‌هایی که می‌سازد

(امین‌پور، ۱۳۹۱: ۴۷۳)

شاعر در ادامه می‌گوید که مؤمنان دریایی این سرزمین همانند ماهی‌های دریای بی کران آزادی، در قفس‌های کوچک آنان جای نمی‌گیرند:

«در قفس، دریا نمی‌گنجد/ زانکه کار موج پرواز است/ ما همان دریای آزادم/ دشمن ما آن قفس‌ساز است». (همان: ۴۷۴)

اما نگاه قیصر به آزادی در معنای «رهایی انسان از تعلقات» را می‌توان در قطعه «ترانه‌ای برای آشتی» در مجموعه شعری «به قول پرستو» مشاهده نمود. قیصر در این قطعه، آزادی را رهیدن از خاک و در مفهوم عرفانی «رهایی انسان از تعلقات» بیان کرده است:

«چه می‌شد اگر مثل پروانه‌ها/ کمی دست و پای دلت باز بود/ به هر جا دلت خواست سر می‌زدی/ از این خاک امکان پرواز بود». (همان: ۵۲۹)

بدون شک این نوع نگاه به مفهوم آزادی ریشه در بینش اسلامی شاعر دارد زیرا اسلام آزادی انسان را در رهایی از بند تعلقات و هواهای نفسانی می‌داند.

اما نگاه قیصر نسبت به مفهوم آزادی با بُعد اجتماعی آن را می‌توان در قطعه «همزاد عاشقان

۱. مفهوم آزادی در شعر قیصر

قیصر از آزادی برداشت‌های گوناگونی دارد، مفهومی که با رشد و تطور اندیشه او و همچنین با تغییر شرایط اجتماعی ابعاد مختلفی به خود گرفته است؛ در دوران جنگ معنای «رهایی از قید اسارت دشمن» را به خود می‌گیرد، در اواخر جنگ و سال‌های آغازین بعد از جنگ معادل است با «رهایی نفس از قید تعلقات»، و در سال‌های پس از جنگ، در مفهوم اجتماعی آن یعنی «رهایی انسان در معنی عام و مطلق» به کار می‌رود، و در این مرحله است که قیصر نسبت به عملکرد اجتماع و فقدان آزادی بیان، اعتراضی آشکار دارد. (ابوالقاسمی و علیه‌پور، ۱۳۸۸: ۱۳)

قطعه «دریای آزادی» از مجموعه «مثل چشمه مثل رود»، مفهوم آزادی در معنی «رهایی از اسارت دشمن متجاوز» را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر آزادی در معنی «رهایی از نیرنگ دشمنان مرزهای جغرافیایی کشور» است. در این قطعه «دریا» نماد مردم انقلابی مسلمان ایران است که با موج‌های پرتلاطم (عملیات در میدان نبرد) بر دشمن می‌تازند:

کار» از مجموعه گل‌ها همه آفتابگردانند»، به رهایی و آزادی و آزادی خواهی توجه ویژه‌ای دارد. در مورد بیان مفهوم آزادی در آثار قیصر به نکاتی چند اشاره می‌شود:

۱. در اکثر قطعه‌ها شاعر از نماد و رمز برای بیان عقاید خود درباره آزادی بهره می‌گیرد. «پرنده، قفس، پنجره و دیوار» بیشترین بسامد را در میان انواع نمادها برای بیان مفهوم آزادی در آثار قیصر به خود اختصاص داده‌اند.

۲. شاعر در برخی قطعه‌ها از علائم سجاوندی برای بیان فقدان آزادی استفاده می‌کند. به عنوان مثال در قطعه «روایت رؤیا» که کمی جلوتر به آن اشاره شد، شاعر با آوردن عبارت «حتی برادران عزیزت»، در میان دو خط تیره (-) به ترسیم فضای خفقان و عدم آزادی پرداخته است.

۳. شاعر برای بیان اندیشه خود نسبت به فقدان آزادی از تشبیهات و یا استعارات پیچیده استفاده نمی‌کند. همچنین از اسطوره یا سمبولیسم بهره‌ای نگرفته است و با کمی تأمل می‌توان به کنه اندیشه‌های او در این زمینه پی برد.

۲. صلح‌طلبی در شعر قیصر

قیصر در ابتدای امر تابع اندیشه‌های محوری و مرکزی انقلاب و در خدمت ضرورت‌های این عقیده بود، ولی بعدها به سمت رهایی همه بشریت از جنگ و خونریزی و رسیدن به صلح حرکت کرد. البته باید دانست که شعر قیصر برای صلح، به هیچ وجه نشانه تغییر نظر او نسبت به دفاع مقدس نیست. بلکه با حفظ اصول اعتقادی-

جهان (۳)» از مجموعه «دستور زبان عشق» مشاهده کرد. شاعر در مصراع‌هایی از آن به خفقان اجتماعی و عدم آزادی بیان اشاره می‌کند و با استفاده از تناسب واژگانی چون «کتابخانه، کتاب، مطالعه و هیس» به تصویرسازی سکوت، ترس و وحشت در جامعه می‌پردازد:

«ما بی صدا مطالعه می‌کردیم / اما کتاب را که ورق می‌زدیم / تنها / گاهی به هم نگاهی ... / ناگاه / انگشت‌های «هیس»! / ما را از هر طرف نشانه گرفتند / انگار / غوغای چشم‌های من و تو / سکوت را / در آن کتابخانه رعایت نکرده بود!» (همان: ۸ و ۹)

نمونه دیگر این تعبیر را می‌توان در قطعه «روایت رؤیا» از همین مجموعه (دستور زبان عشق) مشاهده کرد، شاعر با تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع) از اجتماعی سخن می‌گوید که خفقان حاکم بر آن به فرد اجازه ابراز و بیان آرزوها و رؤیاهای صادقانه‌اش را نمی‌دهد. جامعه‌ای که شما نمی‌توانید آزادانه، آرزوها و حتی خواب‌های خود را گزارش کنید تا آنجا که برادران عزیز و حسودت خواب تو را در چاه اسارت تعبیر خواهند کرد:

«فرزندم! / رؤیای روشن تو را / دیگر برای هیچ کسی بازگو مکن! / - حتی برادران عزیزت - / می‌ترسم / شاید دوباره دست بیندازند / خواب تو را / در چاه / شاید دوباره گرگ...» (همان: ۱۰)

قیصر همچنین در قطعه‌های «نیمه پر لیوان»، «بفرمایید»، «آرمانی (۲)»، «آرمانی (۳)»، از مجموعه دستور زبان عشق، و قطعه «آرمانی (۱)» از مجموعه گل‌ها همه آفتابگردانند و قطعه‌های «الهی»، «احوال‌پرسی»، «دنیای راه راه» و «مغالطه

اما نکته مهم‌تر در این گونه از اشعار قیصر این است که شاعر در بیشتر این سروده‌ها برای به تحقق پیوستن این صلح به ظهور یک مصلح ایمان دارد و این مصلح همان حضرت مهدی (ع) است. در نظر قیصر «ظهور منجی موعود به عنوان امداد غیبی و تحقق آرمان‌های بشری است». (روشنفکر، ۱۳۹۰: ۶۲) قیصر در قطعه «صبح بی تو» از مدینه فاضله‌ای سخن می‌گوید که با ظهور منجی موعود محقق می‌شود:

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید
آن که در دستش کلید شهر پر آینه دارد

(همان: ۴۰۹)

و در قطعه «فصل تقسیم» از بهاری سخن می‌گوید که در پی آن تمامی مشکلات جهان رفع می‌شود:

چشم تو لایحه روشن آغاز بهار
طرح لبخند تو پایان پریشانی‌ها

(همان: ۳۵۶)

نمونه‌های دیگر این عقیده را می‌توان در قطعه‌های «عید»، «بفرمایید»، «پیشواز»، «مهمانی» و «لحظه‌های کاغذی» مشاهده نمود.

۳. بازتاب فساد و ستم جامعه در شعر قیصر

همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، قیصر شرایط سیاسی و اجتماعی مختلفی را در زندگی خود تجربه کرده است. حوادث قبل از انقلاب اسلامی و قیام مردم علیه رژیم پهلوی، سپس حوادث بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ و بعد از آن تحولات کشور بعد از پیروزی در جنگ تحمیلی،

به سراغ مضامینی می‌رود که پیشتر چندان به آنها نپرداخته بود. قطعه‌های «طرحی برای صلح (۱)»، «طرحی برای صلح (۲)»، «طرحی برای صلح (۳)» و «روز ناگزیر» از نمونه‌های این اشعار است. در این قطعه‌ها شاعر «طرحی برای صلح ارائه می‌دهد، شعری که بیشتر به نمایشنامه‌ای موجز شباهت دارد؛ همراه با پایانی که مخاطب را به سوی حقیقت سوق می‌دهد» (ایران‌زاده ۱۳۸۷: ۳۱-۲۹):

طرحی برای صلح (۱):

- «کودک/ با گریه‌هایش در حیاط خانه بازی می‌کند/ مادر، کنار چرخ خیاطی/ آرام رفته در نخ سوزن/ عطر بخار چای تازه/ در خانه می‌پیچد/ صدای در! _
«شاید پدر!». (همان: ۱۵)

طرحی برای صلح (۲):

- «شهیدی که بر خاک می‌خفت/ چنین در دلش می‌گفت:/ اگر فتح این است/ که دشمن شکست،/ چرا همچنان دشمنی هست؟» (همان: ۱۶)

طرحی برای صلح (۳):

- «شهیدی که بر خاک می‌خفت/ سر انگشت در خون خود می‌زد و می‌نوشت/ دو سه حرف بر سنگ:/ به امید پیروزی واقعی/ نه در جنگ، که بر جنگ!» (همان: ۱۷)

شاعر در قطعه «روز ناگزیر» روز آرمانی خود را روزی می‌داند که خواب در دهان مسلسل‌ها خمیازه کشد و توپ‌ها در دست کودکان از باد پر شود:

- «و خواب در دهان مسلسل‌ها/ خمیازه می‌کشد/ و کفش‌های کهنه سربازی/ در کنج موزه‌های قدیمی/ با تار عنکبوت گره می‌خورند/ روزی که توپ‌ها/ در دست کودکان/ از باد پر شوند». (همان: ۲۳۸)

۴. تشویق به مبارزه و جهاد در شعر قیصر

قیصر از نخستین شاعران انقلاب اسلامی است که پس از شروع جنگ تحمیلی، عاشقانه پا به عرصه دفاع مقدس گذاشت و با حضور در جبهه‌های جنگ، به خواندن اشعار خود برای روحیه دادن به رزمندگان می‌پرداخت و آنان را به مبارزه و جهاد تشویق می‌کرد و «با پایان یافتن جنگ حسرت و دریغ جا ماندن از کاروان شهیدان، تنهایی و غربت، شرم از شهیدان، جای خود را به شعر جهاد و مبارزه داد.» (صرفی و هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۲۴)

قیصر در دوران جنگ ایجاد شور و انگیزه در میان جوانان برای هجوم به سمت خط مقدم جبهه‌ها را وظیفه اصلی شعر خود می‌دانست، به طوری که در مجموعه «در کوچه آفتاب» که مقارن با پیروزی انقلاب سروده شده است، فصلی را به «جهاد» اختصاص می‌دهد و با بیانی حماسی از مبارزه و جهاد در برابر دشمن سخن می‌گوید:

ای خصم مرا سر، سر جنگ است هنوز
در چله خشم من خدنگ است هنوز
در ترکشش اگر نمانده باشد تیری
زنهار، مرا ناخن و چنگ است هنوز

(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۵۹)

و در جایی دیگر از این مجموعه می‌گوید:

از گوشه چشم یک نظر اندازیم
در خرمن دشمنان شرر اندازیم
با خصم، خود از دست سپر اندازد
با ما زتنش، دست و سپر اندازیم

(همان: ۶۲)

قیصر در این سال‌ها «توانست هم به تبیین پایداری‌ها و آرمان‌های دفاع از میهن و هم به

عمده این شرایط است واز آنجایی که فساد و ستم موجود حاصل شرایط دوران قبل از انقلاب اسلامی- رژیم پهلوی- است بنابراین باید مهم‌ترین اندیشه‌های شاعر را در بیان ظلم و ستم جامعه در اشعار مربوط به این دوران او مشاهده نمود.

قیصر نام یکی از مجموعه‌های شعری خود را «تنفس صبح» می‌نامد؛ صبحی که در دل تاریکی شب طلوع کرد:

لبخند تو خلاصه خوبیهاست
لختی بخند، خنده گل زیباست!
پیشانی تنفس یک صبح است
صبحی که انتهای شب یلداست

(امین‌پور، ۱۳۹۱: ۴۰۷)

شاعر در مثنوی «فصل وصل» از همین مجموعه، دوران اختناق و ظلم و ستم آن روزگار را «فصل کسالت» نامیده است:

چار فصل سال را رسم این نبود
هیچ فصلی این چنین خونین نبود
دارد آن فصل کسالت می‌رود
باز امید اصالت می‌رود

(همان: ۱۳۵)

قیصر در بیشتر موارد با استفاده از نماد مخصوصاً واژه «شب» به بیان ظلمت، تیرگی و سیاهی آن دوران اشاره می‌کند:

- «... هان ای خدا یگان! در روز بار عام / حتی /
تمثال بی مثال شما را / یارایی ادای تظلم نداشتیم! / ... /
باری امید بس عبثی دارید! / زیرا که شب / آستن
طلوع شگفتی است!...» (همان: ۶۶)

و در جایی دیگر می‌گوید:

شب بود و سکوت بود و سوسوی خطر
می‌ریخت غبار ترس در کوی خطر

(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۸۱)

همچنین در شعر «باد بی قراری» با بهره‌گیری از داستان حضرت یوسف (ع) سرنوشت رزمندگان شهید را با سرنوشت یوسف (ع) در می‌آمیزد:

- «این بوی غربت است / که می‌آید / بوی برادران غریب / شاید / بوی غریب پیرهنی پاره / در باد / نه! / این بوی زخم گرگ نباید باشد / من بوی بی پناهی را / از دور می‌شناسم: / ... / بوی پر کبود کبوتر را / در جاه...». (امین‌پور، ۱۳۹۱: ۳۳۵)

بحث و نتیجه‌گیری

«آزادی»، «صلح‌طلبی»، «بازتاب فساد و ستم جامعه» و «تشویق به مبارزه و جهاد»، برجسته‌ترین مضامین اجتماعی در شعر قیصر است. در مقوله «آزادی» امین‌پور با توجه به دوره‌های مختلف زندگی‌اش برداشت‌های گوناگونی از این مفهوم دارد؛ «رهایی از قید اسارت دشمن»، «رهایی از قید تعلقات» و «رهایی انسان در معنی عام و مطلق» از نمونه‌های آن است. وی برای بیان این مفهوم به استفاده از نمادها و صنایع بدیعی تمایل بیشتری نشان می‌دهد. در مقوله «صلح‌طلبی» نیز برای تحقق یافتن صلح در بیشتر موارد منتظر منجی موعود و مصلح است تا آن را در جهان برقرار کند. در بیان «فساد و ستم جامعه» از آنجایی که فساد و ستم موجود حاصل شرایط دوران قبل از انقلاب اسلامی - رژیم پهلوی - است. بنابراین باید مهم‌ترین اندیشه‌های شاعر را در بیان ظلم و ستم جامعه در اشعار مربوط به این دوران او مشاهده نمود. در موضوع «تشویق به مبارزه و جهاد»؛ قیصر در دوران جنگ تحمیلی این موضوع را وظیفه اصلی شعر خویش قرار داد.

توصیف صدمات و فجایای جنگی پردازد و بهتر دید که آثارش نیز در همدردی خونینی با مصیبت دیدگان، جنگ‌زده و خاک‌آلود بماند و پیوسته از این پس، شعر خشم بگوید / شعر مقاومت / شعر فصیح فریاد - هرچند ناتمام -». (بهره‌ور - نیکخواه، ۱۳۹۱: ۴۸)

اما ویژگی بارز اشعار قیصر در این موضوع استفاده او از نماد و رمز است؛ نمادهایی با بهره‌گیری از مظاهر طبیعت و داستان‌های تاریخی و مذهبی، که با زبانی ساده و قابل فهم به مخاطب ارائه می‌گردد. «قیصر در این گروه از شعرهای خود نمادهایی را می‌سازد که گرچه شاید تکراری باشند، اما نحوه استعمال آنها با آنچه تاکنون شنیده‌ایم، متفاوت می‌نماید». (محقق، ۱۳۸۷: ۱۳۷) به عنوان نمونه در شعر زیر شاعر با استفاده از مظاهر طبیعت مانند «آب» و «مرداب» و با شیوه‌ای نمادین، «آب» را رمز جنبش و تحرک برای رسیدن به اصل وجودی خود و وصول به دریای کمال مطلق می‌داند و مخاطب را به مبارزه در مسیر تحقق انقلاب فرا می‌خواند:

- «روان و پاک و بی‌تابیم، بی‌تاب / که گر ماندیم مردابیم، مرداب / تو گویی واژه «ماندن» ندارد / کتاب پیروان مذهب آب». (همان: ۶۸)

و در جایی دیگر با استفاده از داستان حضرت ابراهیم (ع)، فرستادن جوانان کشور به سوی جنگ را به دستور قربانی کردن اسماعیل توسط ابراهیم از سوی خداوند تشبیه می‌کند:

دل در تب لیبک تاول زد ولی ما
لیبک گفتن را، لیبی هم تر نکردیم
حتی خیال نای اسماعیل خود را
همسایه با تصویری از خنجر نکردیم

(همان: ۸۸)

منابع

- مقدّس، تعهّد و تحوّل در شعر قیصر امین‌پور. نشریه ادبیات پایدار. شماره چهارم. صص ۱۷-۳۲.
- روشنفکر، کبری؛ زارع برمی، مرتضی؛ قبادی، حسینعلی (۱۳۹۰). «تحلیل تطبیقی درونمایه‌های مقاومت در اشعار «سمیح القاسم»، «حسن حسینی»، «قیصر امین‌پور». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. د ۲. ش ۴ (پیاپی ۸). صص ۷۱-۴۱.
- علی‌زاده، ناصر؛ باقی‌نژاد، عباس (۱۳۹۱). «قیصر امین‌پور و رویکرد نوستالژیک». مجله بوستان ادب. سال چهارم. شماره دوم. صص ۱۷۵-۲۰۴.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۷). «سه صدا، سه رنگ، سه سبک، در شعر قیصر امین‌پور». ادب پژوهی. شماره پنجم. صص ۳۰-۹.
- گرجی، مصطفی (۱۳۸۷). «بررسی ماهیت و مفهوم درد و رنج در اشعار قیصر امین‌پور، دردهای پنهانی». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. سال ۵. شماره ۲۰.
- محقق، جواد (۱۳۸۷). شکفتن در آتش. تهران: هنر رسانه‌ای اردیبهشت.
- ابوالقاسمی، سیده مریم؛ علیه‌پور، شهلا (۱۳۸۸). «بررسی جلوه‌های اندیشه در شعر قیصر امین‌پور». مجله تاریخ ادبیات. شماره سوم. صص ۵-۳۸.
- اقتصادی‌نیا، سایه (۱۳۸۹). «مروری بر کارنامه شعر قیصر امین‌پور». نقد و بررسی. نامه فرهنگستان. صص ۱۴۹-۱۳۸.
- امین‌پور، قیصر (۱۳۹۱). مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور. تهران: انتشارات مروارید. چاپ نهم.
- _____ (۱۳۶۳). در کوچه آفتاب. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. ج ۱.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله (۱۳۸۷). صلح در اشعار قیصر امین‌پور. سفر در آینه نقد و بررسی ادبیات معاصر. به کوشش عباسعلی وفایی. تهران: انتشارات سخن.
- بهره‌ور، مجید؛ نیکخواه، مریم (۱۳۹۱). «جنگ و کودکی در آثار قیصر امین‌پور». نشریه ادبیات پایدار. سال سوم. شماره ششم. صص ۴۶-۷۵.
- صرفی، محمدرضا؛ هاشمی، سیدرضا (۱۳۹۰). «دفاع